قسمتی از الواح زمردین تحوت درباره نژاد خزنده‌ها؛

در زمان‌های بسیار دور قبل از حیات اتلانتیس،

انسان‌هایی بودند که در عالم تاریکی غوطه ور و موشکاف بودند،

از جادوی سیاه استفاده میکردند و موجودات را فرامیخواندند

از پایین واعماق دنیای ما.

افرینش آن‌ها را وارد این چرخه کرد.

آن‌ها بی شکل بودند و از بعدی دیگر،

از دید فرزندان انسان‌های زمینی پنهان بودند.

تنها از راه خون وجود پیدا میکردند.

تنها توسط انسان در این دنیا میتوانستند زندگی کنند.

در زمانی دور توسط اربابان مغلوب شدند،

و به اعماق و جایی که از ان امدند فرستاده شدند.

اما بعضی از آن‌ها باقی ماندند،

در مکان‌هایی که انسان‌ها نمیدانستند.

سایه وار در اتلانتیس(افلاطون در ۳۶۰ سال قبل از میلاد مسیح، داستان آتلانتیس را اینگونه بیان می کند:

بنیانگذاران آتلانتیس نیمه خدا و نیمه انسان بودند. آنها یک مدینه فاضله ایجاد کردند و به یک نیروی دریایی بزرگ تبدیل شدند. خانه های انها از جزایر متمرکز ساخته شده بود که توسط خندق های وسیعی جدا می شدند و توسط کانال هایی به مرکز متصل می شدند. آتلانتیس جزایر سرسبزی حاوی طلا، نقره و سایر فلزات گرانبها بود و در آن گونه های نادر و عجیب حیوانی میزیست. در جزیره مرکزی یک شهر بزرگ وجود داشت.) زندگی میکردند،

اما زمان‌هایی بر انسان اشکار میشدند.

هنگامی که خون باید داده میشد،

آن‌ها میان انسان‌ها حضور پیدا میکردند.

آن‌ها به شکل انسان میان ما هستند،

اما فقط در برار دیده‌ها آن‌ها این طور بودند که انسان‌ها هستند.

و با سر مار(شیطان) هنگامی که جادو کنار می‌رفت

اما در میان انسان‌ها مانند انسان جلوه می‌کردند.

به تدریج به سمت حاکمان پیش رفتند،

با شمایلی مانند انسان.

به کمک جادویشان

سران حکومتی را به قتل رساندند،

به شکل انان در امدند و بر مردم حکومت کردند.

تنها توسط جادو میتوان آن‌ها را تشخیص داد.

تنها توسط صوت صورت‌هایشان دیده میشود.

آن‌ها از سرزمین سایه‌ها امدند

تا انسان را نابود کنند و بر سرزمینش فرمانروایی کنند.

اما اربابان در جادو قدرتمند بودند،

قادر به برداشتن نقاب از صورت شیطان،

قادر به برگرداندن او به جایی که از ان امد.

آن‌ها به نزد انسان امدند و راز را به اموختند،

کلمه را که فقط انسان میتوانست تلفظ کند

پس آن‌ها به سرعت نقاب را از صورت شیطان برداشتند.

و او را از میان انسان‌ها خارج کردند.

اما هوشیار باشید، شیطان هنوز زندگی میکند

در جایی که در بعضی زمان‌ها به این دنیا باز میشود.

آن‌ها در میان شما راه میروند اما از دیده پنهانند

در مکان‌هایی که در سنت‌های قدیم گفته شده.

دوباره هنگامی که زمان بگذرد

آن‌ها شمایل انسان را خواهند گرفت.